



مسعود بربر گروه سرزمین

پیش از آن که معصومه ابتکار به ریاست سازمان محیط‌زیست انتخاب شود، این سازمان متهم بود که با مخربان محیط‌زیست بده بستنان دارد و دست کم آن اندازه که باید مقاومتی در برابر پروژه‌های بزرگ مخرب محیط‌زیست از خود نشان نمی‌دهد. تعدادی از خبرنگاران منتقد محیط‌زیست حتی حق ورود به این سازمان را نداشتند. همه این‌ها باعث شد که خبرنگاران و فعالان محیط‌زیست آمدن ابتکار را به فال نیک بگیرند و چشم به راه روزهای بهتری برای محیط‌زیست کشور باشند. سال ۱۳۹۳ اما باز هم خبر های محیط‌زیست و حیات وحش تلخ بود، پروژه‌های بزرگ انتقال آب و... با دستور مستقیم رئیس جمهوری مجوز زیست محیطی در یافت کرد و قرار شد در آشوراده طرح‌های گردشگری اجرا شود. اما حالا دیگر پای خبرنگاران و فعالان محیط‌زیست به سازمان باز شده‌بود...

این‌ها و بیش از این‌ها را با دکتر اسماعیل کهر، موب‌شناس و مشاور رئیس سازمان حفاظت محیط‌زیست با حکم معصومه ابتکار، به گفت‌وگو نشستیم.

● **خانم ابتکار، از زمانی که تصدی ریاست سازمان محیط‌زیست را بر عهده گرفتند، تندترین خبرنگاران و فعالان و منتقدان حوزه محیط‌زیست را در سازمان به همکاری گرفتند و این در ابتدا باعث دلگرمی فعالان این حوزه و استقبال آنان شد. یکی از کسانی که به استخدام سازمان در آمد خود شما بودید. فکر نمی‌کنید خانم ابتکار با این تصمیم هوشمندانه کاری کرد که این منتقدان زبان‌تند بر نبندند و با دست کم این نرم‌تر با سازمان محیط‌زیست سخن بگویند؟**

در باره دیگران، من در مقامی نیستم که صحبت کنم، اما در باره خودم، یادم هست که خبرنگاری به اتاق من آمد و گفت شما الان دیگر بخشی از سازمان هستید و چاقو هم دسته‌اش را نمی‌برد. من در پاسخ گفتم که نهایت سعی‌ام را خواهم کرد که استقلال خودم را حفظ کنم و با شناختی که از این خانم دارم می‌دانم که می‌توانم این کار را بکنم.

● **اصلا چه طور شد که به استخدام سازمان در آمدید؟**

یک بار خانم ابتکار من را صدا کرد و گفت یک دقیقه تشریف بیاورید دفتر من. وقتی رفتم این حکم را به من دادند. من سنجینی کار را حس کردم و از طرفی خوشحال شدم و به خودم گفتم یک عمر نشسته بودی کنار گود می گفتی لنگش کن. حالا بابتوی گود و لنگش کن! کمی بعدا ایشان در آسانسور به من گفت که مردم خیلی از شما انتظار دارند و ایمیل‌هایی که می‌رسد مویذ آن است که این انتخاب را دوست دارند. اما شما قرار نیست دولتی باشید. مردم دولتی‌ها را دوست ندارند. شما قرار است همان شخصیت مستقل خودتان را حفظ کنید. من پرسیدم اگر در مواقعی به عملکرد سازمان انتقاد داشتیم چه؟ گفت صدر صد می‌توانید انتقاد کنید. حالا شما ببینید من از زمانی که آمده‌ام به سازمان چه کرده‌ام؟ من در ماجرای آشوراده شدیداً موضع گرفتم و گفت محیط‌زیست آشوراده را یاختر و همکار شما از خبرگزاری مهر این را تیتیر کرد و روزنامه همشهری در این باره نوشت: «کهرم در مقابل ابتکار... در همان هفته‌ای که من این حرف را زدم باخانم ابتکار سه جلسه داشتم و یک بار در این باره به من انتقادی نکردند. یعنی اگر من حرفی خلاف رای سازمان و توجهیاتی که ایشان در زمینه آشوراده آورده‌است بزمن نه توبیخ می‌شوم و نه می‌گوید چرا چنین گفتی و برو! بنابراین در اثر سعه

در گشت‌وگویی «قانون» با مشاور معصومه ابتکار وخواستی روایت کهرم از یک سال چالش برای محیط‌زیست



صدر ایشان من این آزادی را دارم و اگر هم روزی احساس کنم که دیگر این آزادی را ندارم از سازمان می‌روم. حالا هم به شما به عنوان برادر جوان ترم به مردم شریف کشورم قول می‌دهم هر وقت لازم باشد که من اظهار نظری بکنم که مخالف با خواست سازمان یا خانم ابتکار باشم من این نظر را ابراز می‌کنم. این را هم می‌دانم که این خانم جنبه و ظرفیت لازم را دارد.

● **حالا که به ماجرای آشوراده اشاره کردید همین‌جا از آن‌به عنوان یکی از چالش‌های سال محیط‌زیست ایران صحبت کنید؟**

همکاران شما یکی دوبار گفتند که خانم ابتکار اسفندماه گذشته گفته بود آشوراده را واگذار نمی‌کنیم اما الان آن را توجیه می‌کند. حرف رئیس‌جمهور را شما شنیدید؟ رئیس‌جمهور آن روز که در اثر اصرار آقای نورمفیدی در آشوراده این حرف را زد، گفته بود: «در مورد آشوراده، آمدند پیش ما و در رد و تاییدش حرف زدند، اما دیگر الان نظر هیات دولت است و باید اجرا بشود». من مضمونش همین بود. برداشت من این است که وقتی این حرف را زدند یعنی ما می‌دانیم این طرح مشکل دارد اما ... حالا دیگر شده و باید قالش را کند! البته سازمان‌های مردم‌نهاد نهایت محبت را کردند. ۸۰ تشکل محیط‌زیستی در یک نامه به رئیس‌جمهوری هشدار دادند و دیدید که چه کردند. در خود سازمان هم مشخصاً آقای مجابی گفت این طرح از زیبایی زیست محیطی نشد و نمی‌تواند انجام شود. نتیجه این شده که یک آجر هم آنجا ریخته نشده‌است.

● **خب بالاخره خانم ابتکار اسفندماه گفته بود ما نمی‌گذاریم آشوراده قطب گردشگری شود. الان چطور موافقت می‌کنند؟**

گفتم که ایشان موافقت نکرده اما این را توجیه می‌کند چون مجبور شده‌است در مقابل رای هیات دولت تسلیم شود و حالا هم البته ما قوانین خودمان را اعمال می‌کنیم که ساختمان دو طبقه بیشتر ساخته نشود، یعنی این طور نیست که مثلا در آشوراده هتل ساخته شود. اصلا اگر شما می‌بینید من این جور در مخالفتش صحبت می‌کنم. در واقع این‌ها از زبان خانم دکتر می‌گویم و عین این را به ایشان هم گفتم و ایشان لبخند زد یعنی که موافق است و خب گاهی مشاور چنین وظیفه‌هایی هم دارد.

● **جدای از بحث آشوراده مهم‌ترین مسائل سال گذشته در حوزه محیط‌زیست به نظر شما چه بود؟**

به نظر من سه سال بسیار مهمی بود که ما از یک دوران به دورانی دیگر پا گذاشتیم. یعنی ۸ سال حاکمیت دولت قبل پایان پذیرفت و چون میزان ناملایمات در این دوره خیلی بود با آمدن

دولت یازدهم آقای روحانی و انتخاب خانم ابتکار

به ریاست سازمان حفاظت از محیط‌زیست مردم خیلی امیدوار شدند. اما فکر می‌کنم یک مقداری توقعات‌شان بیش از ظرفیت این دولت است و این سازمان حفاظت از محیط‌زیست بود. بنابراین مردم، به گونه‌ای که ما شنیدیم، در برخی موارد ابراز نارضایتی کردند.

● **و مشکلاتی که از دولت قبل به ارث بردید چه بود؟**

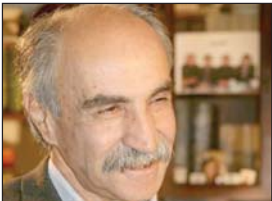
اوایل مدیریت جدید در سازمان، می‌نشستیم و مقرراتی را که در گذشته وضع شده بود، ملغی و پیشنهاد الغا را به مجلس ارائه می‌کردیم. در یک مرتبه من ۱۴۷ مورد را به یاد دارم که درخواست‌لنو داشتیم. مثلا گفته بودند برای مقابله با تحریم‌ها در مناطق چهار گانه تحت مدیریت سازمان حفاظت از محیط‌زیست معدن کاوی کنیم. این یعنی انفجار، رفت و آمد، احداث جاده و... که دیگر جایی برای محیط‌زیست باقی نمی‌گذارد. با این که یکی از مدیران آن زمان گفته بود این پارک بهرام گور نزدیک تبریز ۴۰۰ گور خراشیده دارد. این‌ها را بدهیم به هر خانه‌ای که بگی نگه دارند. مفهوم پارک ملی، مفهوم حیات‌وحش، مفهوم ارزش‌های مناطق حفاظت‌شده، اصلا همه را این‌ها زیر سوال برده بودند. با این که آقای رئیس‌ دولت آن زمان گفته بود ما برای دور زدن تحریم‌ها باید جنگل‌ها استفاده بکنیم. ببینید این تفکرات چقدر کوچک بود و ما با این‌ها مبارزه می‌کردیم. این چالش‌هایی بود که ما داشتیم و از پس این‌ها خوشبختانه یکی یکی بر آمدیم.

● **خبرنگاری به اتاق من آمد و گفت شما الان دیگر بخشی از سازمان هستید و چاقو هم دسته‌اش را نمی‌برد. من در پاسخ گفتم که نهایت سعی‌ام را خواهم کرد که استقلال خودم را حفظ کنم**

● **و مهم‌ترین و جدی‌ترین چالش محیط‌زیست کشور در سال گذشته به نظر شما بود؟**

در مملکت ما اساسا چالش اصلی آب است. هفته گذشته سمنج بودم. این منطقه در کردستان از پرآب‌ترین مناطق ماست و کوه‌های آبدیر همیشه تاوسط اردیبهشت و حتی فراتر از آن برف داشت اما الان چیزی به نام آب برف در آن نبود و مردم هم از بی‌آبی و کم‌بارشی گله داشتند. این مسئله بر تمام ایران سایه افکنده است. کورش بزرگ درست گفته بود که خداوند این کشور را از دشمن و خشکسالی و دروغ حفظ کند و متأسفانه

سرزمین من و تو



در مملکت ما اساسا چالش اصلی آب است. آب‌های زیرزمینی روز به روز پایین‌تر می‌رود تا جایی که ریشه درخت‌ها حتی در جنگل‌ها به آب نمی‌رسد و درخت‌ها از خشکی می‌میرند و حتی پیش‌بینی شده که مازندران در بیست سال آینده کویر خواهد بود به این دلیل که سفره‌های آب زیرزمینی همین طور پایین‌تر می‌روند. بنابراین مسئله آب را همیشه خواهیم داشت.

● **طرح ادغام سازمان و مسائلی از این دست هم در سال گذشته رخ داد که شاید بتوان با عنوان مشکلات ساختاری و سازمانی از آن صحبت کرد.**

ببینید ما حزبی، دستنه‌ای و جناحی عمل می‌کنیم، به خاطر چه؟ به خاطر ایران. اما بعضی وقت‌ها چنان در مسائل حزبی و جناحی خودمان پیشروی می‌کنیم که اصلا فراموش می‌کنیم که هدف اصلی همه این‌ها این است. با کمال تأسف و رویکردهای جناحی نزد برخی از نماینده‌های مجلس و برخی از صاحبان رسانه چنان قوت پیدا کرده و ریشه‌دار شده که مسئله منافع ملی فراموش شده است. مثلا عده‌ای امضا می‌دهند که سازمان حفاظت از محیط‌زیست برود در دل وزارت کشاورزی. وزارت کشاورزی خودش الان اگر دستگاه‌آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات برای بالاتر از ۸۰۰ متر می‌سازد این دیگر نقض غرض است و این به من شهروند می‌گوید آقای کهرم توی شهرنود عادی حق نداری ویلا بسازی ولی همه سازمان گردن کلفت و پول دار می‌توانند متأسفانه این موضوع هنوز هم ادامه دارد و در زمین‌هایی که متعلق به دانشگاه آزاد است هر زمان که بروید می‌توانید عملیات ساختمانی را ببینید. من فکر می‌کنم که بیانات ایشان در اثر آن تیشه‌هایی بود که می‌خواستند به ریشه سازمان حفاظت از محیط‌زیست بزنند که مثلا ۱۵۲ نفر نماینده آمده‌اند و می‌گویند می‌خواهیم جاده در جنگل ابر احداث کنیم. چرا؟ برای این که خانم ابتکار گفته است که ما اجازه ساخت جاده در جنگل ابر را نمی‌دهیم و آنجا را منطقه حفاظت شده اعلام می‌کند. بنابراین من فکر می‌کنم که ایشان خواسته‌است که انمام حجت کند و جلوی این رفتار را بگیرد.

● **وگرنه ای‌پایانی؟**
می‌ترسم که باز هم جناحی‌نگری شود و این نگاه صرف به منافع حزبی باعث شود که حتی از سخنان ارزشمند ایشان تفسیرها و قرائت‌های متعدد بکنند، در حالی که صحت‌های رهبری نمی‌گویم. ایشان اولاً از حدود سال ۱۳۸۲ کرات، که چندین بارش را خود من به یاد دارم، در مورد جنگل‌ها، در مورد نقض قوانین و در مورد زمین‌خواری اخطار داده‌اند. ولی این بار ایشان خطاب به مقامات فرمودند که هر چه ما می‌گوییم

زن ۷هزار ساله استحکام بخشی شد



زیستی پژوهشکده حفاظت و مرمت آثار تاریخی نیز نمونه بسیار ریزی از بقایای جمجمه اسکلتر ابرای مطالعه تغییرات سلولی و بافتی استخوان برداشت کرد. چندی پیش پس از مشاهده اتفاقی قطعات سفال در میان حفاری‌های فاضلاب خیابان مولوی توسط یک دانشجوی باستان‌شناسی کاوش‌های باستان‌شناسی در این محل انجام شد. تداوم این کاوش‌ها به شناسایی اسکتلی متعلق به هزاره پنجم پیش از میلاد منجر شد. ادامه تحقیقات روی این اسکلتر ویرسی‌های اولیه متخصصان حوزه‌های انسان‌شناسی، کالبدشناسی، ژنتیک و پستان‌شناسی نشان داد که این اسکلتر متعلق به یک زن میانسال است. به اعتقاد برخی باستان‌شناسان با این کشف قدمت سکونت در تهران به ۷هزار سال رسیده‌ا‌عه دیگری از باستان‌شناسان تاکید کردند حضور انسانی در این تاریخ، لزوماً به معنای قدمت ۷۰۰۰ ساله سکونت در تهران نیست.

هر سه‌تای این‌ها الان با ما هست. آب‌های زیرزمینی مان را به سرعت از دست می‌دهیم، آب‌ها روز به روز پایین‌تر می‌رود تا جایی که ریشه درخت‌ها حتی در جنگل‌ها به آب نمی‌رسد و درخت‌ها از خشکی می‌میرند و حتی پیش‌بینی شده که مازندران در بیست سال آینده کویر خواهد بود به این دلیل که سفره‌های آب زیرزمینی همین طور پایین‌تر می‌روند. بنابراین مسئله آب را همیشه خواهیم داشت.

● **طرح ادغام سازمان و مسائلی از این دست هم در سال گذشته رخ داد که شاید بتوان با عنوان مشکلات ساختاری و سازمانی از آن صحبت کرد.**

ببینید ما حزبی، دستنه‌ای و جناحی عمل می‌کنیم، به خاطر چه؟ به خاطر ایران. اما بعضی وقت‌ها چنان در مسائل حزبی و جناحی خودمان پیشروی می‌کنیم که اصلا فراموش می‌کنیم که هدف اصلی همه این‌ها این است. با کمال تأسف و رویکردهای جناحی نزد برخی از نماینده‌های مجلس و برخی از صاحبان رسانه چنان قوت پیدا کرده و ریشه‌دار شده که مسئله منافع ملی فراموش شده است. مثلا عده‌ای امضا می‌دهند که سازمان حفاظت از محیط‌زیست برود در دل وزارت کشاورزی. وزارت کشاورزی خودش الان اگر دستگاه‌آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات برای بالاتر از ۸۰۰ متر می‌سازد این دیگر نقض غرض است و این به من شهروند می‌گوید آقای کهرم توی شهرنود عادی حق نداری ویلا بسازی ولی همه اسباب آن بود که یک سال، فقط یک سال، ما خود کفا بودیم و باز هم پس از آن شروع کردیم به وارد کردن گندم که همه هم می‌توانند در رسانه‌های رسمی میزان واردات آن را ببخشوند. البته وزارت کشاورزی خدمت می‌کند اما یک سازمان بهره‌بردار است. در صورتی که سازمان حفاظت از محیط‌زیست حفاظت و صدا البته نظرات می‌کند. حالا وقتی بپرسید چرا می‌خواهند این دو را ادغام کنند می‌گویند که در آن صورت می‌شود این محیط‌زیستی‌ها را کشید به مجلس و از آن‌ها سوال کرد. یعنی می‌خواهند منافع خودشان را به سازمان تحمیل کنند و ایرانی فکر نمی‌کنند. برای محیط‌زیست ایران فکر نمی‌کنند.

● **بدون شک یک موضوع بسیار مهم سال گذشته سخنان رهبری در دفاع از محیط‌زیست کشور بود. شما این سخنان را چگونه ارزیابی می‌کنید؟**
رهبری، سخنان خیلی خوب، مهم و جانانه‌ای داشتند و وجدانا من نظرم همین است و مجیز نمی‌گویم. ایشان اولاً از حدود سال ۱۳۸۲ کرات، که چندین بارش را خود من به یاد دارم، در مورد جنگل‌ها، در مورد نقض قوانین و در مورد زمین‌خواری اخطار داده‌اند. ولی این بار ایشان خطاب به مقامات فرمودند که هر چه ما می‌گوییم

قانون

یادداشت

یک بانوی ایران پژوه و ایران دوست در گذشت



مجید تفرشی تاریخ‌نگار و سندپژوه

پنجشنبه چهاردهم اسفند ۱۳۹۳ / پنجم مارس ۲۰۱۵، یکی از چهره‌های پر تلاش ایران دوست و ایران پژوه در لندن چشم از جهان فرو بست. او یکی از خادمان خاموش و بسی ادعا ولی بسیار فعال و تاثیرگذار ایران و فرهنگ ایرانی در عرصه جهانی بود. لوسیل همایونفر (باتمانقلیج) که در سال ۱۹۳۳ / ۱۳۱۲ در خانواده‌ای ایرانی- بلژیکی به دنیا آمد، در عمر ۸۱ ساله خود، در زمینه‌های مختلفی چون زبان، ادبیات، شعر، روان درمانی و گفتار درمانی در خدمت جامعه ایرانی و ایران دوستان و ایران پژوهان سراسر جهان بود.

لوسیل همایونفر در بروکسل، از مادر بلژیکی و پدر مشهور ایرانی، دکتر همایونفر، متخصص بیماری‌های (بز شک و پژوهشگر سرشناسی که بعدها به دلیل سبب برای تحصیل به بریتانیا رفت و در رشته‌های گفتار درمانی و روان درمانی به تحصیل پرداخت. لوسیل پس از ازدواج با دکتر فریدون باتمانقلیج، (بز شک و پژوهشگر سرشناسی که بعدها به دلیل کشف و ابداع روش جدید آب درمانی شهرت جهانی یافت) به ایران بازگشت. ثمرهٔ این ازدواج چهار فرزند (دو پسر و دو دختر) بود.

خانم باتمانقلیج (همایونفر) در ایران در زمینه‌های آموزش زبان‌های فارسی، انگلیسی و فرانسه شهرت بسزایی یافت و در چند مرکز آموزشی مشهور، از جمله در موسسه بهار نو (مشهور به مدرسه میس مری) و همچنین گفتار درمانی در موسسه باغچه یان مشغول به کار بود. او یکی از پیشگامان گفتار درمانی نوین در جامعه سنتی ایران به شمار می‌رفت. در طول حدود سی سال گذشته که لوسیل باتمانقلیج راگزیر در خارج از ایران زندگی می‌کرد، عده زیادی از علاقه‌مندان به زبان و فرهنگ فارسی از گروه‌های سنی مختلف از او دربارهٔ زبان، فرهنگ و ادبیات ایران، در کنار آموزش خود، یادداشت‌ها و ادبیات ایران بسیار آموختند. برای این علاقه‌مندان، کلاس درس لوسیل بسیار فراتر از صرفاً آموزش یک زبان خارجی به زبان مادری از یاد رفته بود. برای آنان این کلاس‌ها، یک دوره آموزشی فرهنگ و تمدن و ادبیات ایران، در کنار آموزش خواندن، نوشتن، مکالمه و درک مطلب فارسی از محضر استادی بود که عمیقاً به ایران و فرهنگ و زبان آن عشق می‌ورزید و برای آن احترام قائل بود. از این رو حلقه گستردهٔ دانش آموختگان لوسیل باتمانقلیج به او بسیار فراتر و عمیق‌تر از یک آموزگار زبان خارجی و به عنوان یک مرشد و الگو و دوست می‌نگریستند و روابط معنوی میان آنان نیز فراتر از رابطه معمول رسمی و خشک معلم و شاگردی بود.

مختلف، تلاش‌های بسیاری برای تخریب و سیاه‌نمایی در باره ایران و ایرانیان در غرب صورت می‌گرفت، خانم باتمانقلیج، در حد و توان محدود ولی موثر خود، در تلاش بود که چه در میان مردمان عادی و چه در بین خبکیان و تاثیرگذاران غربی، با روش علمی و تربیتی خود با این تخریب وجهه سیاست‌زده ایران و ایرانیان مقابله کرده و طبیعت درست و سالم ایران را به جامعه میزبان نشان دهد.

از این سال‌ها، لوسیل باتمانقلیج به تنهایی و به دور از تشریفات و آداب، یک سفر غیررسمی برای ایران و فرهنگ ایران در غرب بود، بی آن که ادعایی در این مورد داشته باشد و توقعی از این خدمت پنهان و ولی مستمر خود طلب کند.

دوستان و نزدیکان لوسیل باتمانقلیج نقل می‌کنند که او از ابتدای جوانی تا زمان در گذشتش بسیار شاداب، سرخوش و فعال بود و حتی تا روز قبل از مرگش شعری می‌گفت، کتاب می‌خواند و کلاس تدریس زبان‌ها را ادامه داد.

چنان که خانم کامیلیا باتمانقلیج دختر لوسیل باتمانقلیج در مراسم یادبود او نقل کرد، لوسیل از همان جوانی نسا دم مرگ، با انرژی، شوخ طبعی و بدون احساس دلنگتی و خستگی پا به پای جوانان به کار و زندگی و تعلیم و تربیت مشغول بود و لحظه‌ای از این احساس فرو گذار نکرد. گفتنی است که خانم کامیلیا باتمانقلیج، خود یکی از سرشناس‌ترین و فعال‌ترین چهره‌های موثر در راه کمک به رفع مشکلات نوجوانان و جوانان محروم، بز هکار و به دور از خانواده سالام، در تلاش برای بازگرداندن آنان به زندگی سالم است و در این راه شهرت جهانی دارد.

سوی تعداد زیادی از شاگردان و دانش آموختگان، شماری خاطرات، یادداشت، نوشته و اشعار از لوسیل باتمانقلیج باقی مانده که برخی از آنها حتما ارزش انتشار و ماندگاری دارند و امید است که با ماندگان او به نشر این آثار همت ورزند.

بانو باتمانقلیج و همسرش

